

نیروی انسانی

مهم‌ترین عامل تولید در اقتصاد یک کشور کدام است؟

مقدمه

نیروی انسانی یکی از عوامل سه‌گانه تولید است که در کنار دو عامل دیگر – یعنی منابع طبیعی و سرمایه – نقش ویژه‌ای در تولید ایفا می‌کند.

اگرچه هر یک از عوامل سه‌گانه تولید در جای خود دارای اهمیت‌اند و نقش و تأثیر هیچ‌کدام را نمی‌توان انکار کرد اما نیروی انسانی یا منابع انسانی نسبت به سایر عوامل تولید از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا وظیفه ترکیب سایر عوامل تولید را نیز برعهده دارد. بدون شک، مهم‌ترین سرمایه یک ملت نیروی انسانی و به‌ویژه نیروی انسانی دانش‌آموخته، با مهارت و صاحب‌فکر آن است. آنچه یک ملت را به سمت پیشرفت هدایت می‌کند، نیروی انسانی توانمند آن است که با جدیت و تلاش خود جامعه را در مسیر رشد و شکوفایی قرار می‌دهد. اکثر متفکران در این امر توافق دارند که عامل تعیین‌کننده روند توسعه اقتصادی – اجتماعی یک کشور، «منابع انسانی» آن است. نیروی کار یک جامعه شامل نیروی کار یدی (دستی) و فکری آن است. هر قدر این نیروی کار دارای تحصیلات بیشتر و وجدان کاری و مسئولیت‌پذیری بیشتری باشد، در تولید جامعه تأثیر چشم‌گیرتری خواهد داشت.

با بررسی اقتصاد کشورهای پیشرفته، درمی یابیم که بخش مهمی از تولید این جوامع مدیون دانش و فناوری متبلور در نیروی کار آنهاست. درعین حال، یکی از دلایل عقب ماندگی کشورهای توسعه نیافته امروزی، بالا بودن درجه بی سوادی و کم دانشی نیروی کار آنان است. به منظور تربیت نیروی انسانی کارآمد و با دانش لازم، جامعه باید با برنامه ریزی های آموزشی ریشه بی سوادی را قطع کند و از طریق آموزش ضمن کار، سطح دانش نیروی کار را ارتقا دهد.

اشتغال و بی کاری

از مجموعه افراد یک ملت پیوسته گروهی در شرایطی قرار دارند که قادر و مایل اند شغلی داشته باشند. این عده، عرضه کننده نیروی کارند و یکی از عوامل تولید محسوب می شوند. در هر جامعه، میزان عرضه نیروی کار به عوامل مختلفی بستگی دارد که مهم ترین آنها عبارت اند از:

الف) جمعیت کل کشور: هر چه جمعیت کل یک کشور بیشتر باشد، نیروی انسانی بیشتری برای شرکت در فعالیتهای تولیدی وجود خواهد داشت. اگر جامعه امکانات لازم برای تعلیم و پرورش نیروی انسانی و نیز ابزار و لوازم مورد نیاز برای اشتغال آنها را داشته باشد، می تواند با استفاده از جمعیت بزرگ تری در جهت تولید بیشتر کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه گام بردارد. در غیر این صورت، جمعیت بزرگ تر تنها موجب افزایش مصرف و عقب ماندگی جامعه می شود.

ب) جمعیت فعال: دومین عامل مؤثر در عرضه نیروی کار، بزرگی مقدار «جمعیت فعال» یک کشور است؛ به طور کلی، جمعیت یک کشور را می توان به سه گروه تقسیم کرد:

- گروه اول: افراد زیر ۱۵ سال که در واقع گروه «خردسالان» را تشکیل می دهد.
- گروه دوم: افراد بین ۱۵ تا ۶۵ سال که گروه «بزرگسالان» را تشکیل می دهد.
- گروه سوم: افراد بالای ۶۵ سال که گروه «سال خوردگان» را تشکیل می دهد.

در بین این سه گروه، تنها گروه دوم است که جمعیت فعال یک کشور را تشکیل

می‌دهد. بدین ترتیب، به تمامی افراد یک جامعه - اعم از زن و مرد - که در سن فعالیت اقتصادی قرار دارند (بین ۱۵ تا ۶۵ سال)، جمعیت «فعال» گفته می‌شود. از کل جمعیت فعال، معمولاً درصد بزرگی به کار و فعالیت اقتصادی مشغول‌اند و درصد کوچکی نیز به دلایلی به طور موقت یا دائم بی‌کارند. به آن بخش از نیروی کار فعال که دارای شغلی هستند، «نیروی کار شاغل» و به بخشی از نیروی کار فعال که در فعالیت اقتصادی شرکت ندارند، «نیروی کار بی‌کار» یا «غیرشاغل» گفته می‌شود. گروه اخیر افرادی را که برای تغییر شغل از فعالیت قبلی خود دست کشیده ولی هنوز به کار جدید پرداخته‌اند، نیز شامل می‌شود. البته، ممکن است تعدادی از کسانی که جزء جمعیت گروه دوم قرار دارند (یعنی گروه بزرگ سالان)، به دلایلی در فعالیت‌های اقتصادی شرکت نکنند؛ مثلاً دانش‌آموزان، دانشجویان و خانم‌های خانه‌داری که در گروه دوم قرار دارند، معمولاً جزء جمعیت فعال محسوب نمی‌شوند.

فعالیت ۲-۵

ویژگی‌های اعضای فامیل خود را در جدولی مانند جدول زیر بنویسید.

جمعیت فامیل	زیر ۱۵ سال	۱۵ تا ۶۵ سال	بالای ۶۵ سال	فعال شاغل	فعال بی‌کار

نرخ‌های اشتغال و بی‌کاری

نسبت جمعیت «شاغل» به کل جمعیت «فعال» یک کشور، نرخ اشتغال نامیده می‌شود. برای مثال، اگر جمعیت فعال یک کشور ۲۰ میلیون نفر باشد و ۱۸ میلیون نفر از این جمعیت شاغل باشند، نرخ اشتغال در این جامعه ۹۰ درصد خواهد بود.^۱

۱- با یک تناسب ساده می‌توان عدد ۹۰ درصد را محاسبه کرد:

$$20 \quad 18$$

$$100 \quad x \quad x = \frac{1800}{20} = 90$$

نرخ اشتغال شاخص بسیار مهمی است؛ زیرا وضعیت استفاده جامعه از نیروی فعال خود را که مهم ترین سرمایه آن جامعه است نشان می دهد. البته در بحث اشتغال نه تنها درصد جمعیت شاغل بلکه چگونگی به کارگیری شاغلان نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا برخی از مشاغل - که به آنها مشاغل کاذب گفته می شود - وجود دارند که به دلیل غیر مولد بودن نه تنها بر رشد واقعی اقتصادی تأثیری ندارند، بلکه در بسیاری موارد مُخل آن نیز هستند. بدین ترتیب، در بررسی مسئله اشتغال تنها ارائه آمار مربوط به کل یا درصد شاغلین تعیین کننده نیست بلکه برای بررسی همه جانبه این مسئله باید شاغلین هر بخش اقتصاد (مثلاً کشاورزی، صنعت و خدمات) نیز به تفکیک مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند.

همان گونه که قبلاً گفته شد، بخشی از جمعیت فعال که قادر و مایل به کار هستند اما موفق به یافتن شغل نمی شوند، بیکار محسوب می گردند. نسبت جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال، نرخ بیکاری نامیده می شود. برای مثال، اگر جمعیت فعال یک کشور ۲۰ میلیون نفر باشد و ۲ میلیون نفر از این جمعیت فعال شاغل نباشند، نرخ بیکاری ۱۰ درصد خواهد بود.^۱

نرخ بیکاری شاخص اقتصادی - اجتماعی بسیار مهمی است. اگر در جامعه ای نرخ بیکاری بالا باشد، آن جامعه در معرض بحران های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار می گیرد. فقر و بزهکاری افزایش می یابد و زندگی جاری اعضای جامعه مختل می شود. به همین جهت، معمولاً دولت ها به مسئله بیکاری و حلّ این مشکل مهم اقتصادی - اجتماعی توجه ویژه ای دارند. آنها برای مقابله با این پدیده روش های متفاوتی را به کار می گیرند و سعی می کنند زمینه را برای ایجاد فرصت های شغلی فراهم آورند تا افراد جویای کار بتوانند شغل مناسبی بیابند و به جمع شاغلین کشور بیوندند. علاوه بر

۱- با یک تناسب ساده می توان عدد ۱۰ درصد را محاسبه کرد:

$$\frac{20}{100} \times x = \frac{200}{20} = 10$$

«بیکاری آشکار» که در مورد آن توضیح دادیم، بیکاری – با توجه به علل به وجود آورنده یا شرایط حاکم بر آن – انواع دیگری نیز دارد که در اینجا فقط به معرفی دو نوع از آن می‌پردازیم.

۱- **بیکاری پنهان**: به طور کلی حالتی را که در آن نیروی کار به فعالیت اقتصادی فاقد کارایی لازم اشتغال یابد، بیکاری پنهان گویند؛ مثلاً اگر یک کشاورز روی زمین کوچکی کار کند و محصول کمی به دست آورد، در حالی که می‌توانست روی زمین بزرگ‌تری کار کند، این نوع بیکاری «بیکاری پنهان» نامیده می‌شود. کار کارمندی هم که به جای ۸ ساعت کار مفید در روز فقط ۲ ساعت کار مفید انجام می‌دهد، بیکاری پنهان محسوب می‌شود.

۲- **بیکاری فصلی یا موسمی**: نوع دیگری از بیکاری که ناشی از تغییر فصل است، «بیکاری فصلی» نامیده می‌شود؛ مثلاً به دلیل کاهش فعالیت‌های ساختمانی در زمستان، تعدادی از نیروی کار شاغل در این بخش به نوع بیکاری فصلی دچار می‌شوند. همچنین عده‌ای از کشاورزان در زمستان به دلیل رکود فعالیت‌های کشاورزی با نوعی بیکاری فصلی مواجه می‌گردند.

فعالیت ۶-۲

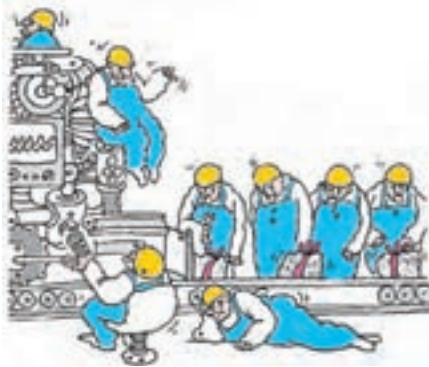
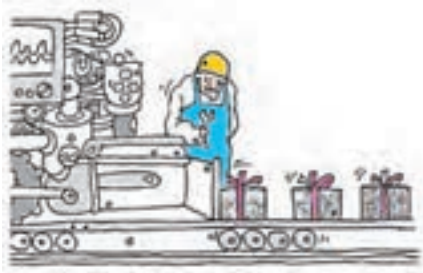
۱- با توجه به جدول فعالیت ۵-۲ نرخ اشتغال و بیکاری را در بین فامیل خود

محاسبه کنید.

۲- نمونه‌هایی از بیکاری پنهان و فصلی را در منطقه خود نام ببرید.

بهره‌وری

بهره‌وری به معنای استفاده مفید و مؤثر از عوامل تولید از جمله «نیروی کار» است. البته در نگاهی گسترده‌تر، بهره‌وری نه تنها به مفهوم استفاده بهینه از عوامل تولید است بلکه



استفاده صحیح از تولیدات و تمامی نعمت‌های الهی از جمله «وقت» را شامل می‌شود. در خلقت و اداره جهان نیز خداوند همه چیز را آن گونه که باید و آنجا که شاید، قرار داده است. در اینجا نگاه ما محدود به مفهوم بهره‌وری عوامل تولید و به طور خاص یکی از آنها - یعنی نیروی کار - است. به منظور ارتقای سطح بهره‌وری باید به عوامل مؤثر در بهره‌وری توجه کرد. به طور کلی عوامل مؤثر در بهره‌وری یا «فردی» هستند یا «سازمانی». به عبارت دیگر، افزایش سطح سواد و دانش و نیز میزان سلامت و مهارت‌های فرد در میزان بهره‌وری مؤثرند. از سوی دیگر، «نظام سازمانی» بر کارایی

و در نتیجه بهره‌وری فرد اثر می‌گذارد. منظور از نظام سازمانی، اصول و قوانین، ساختار تشکیلاتی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، روش‌های انجام کار و دستورالعمل‌های خاص حاکم بر یک سازمان است. با اصلاح و ارتقای نظام سازمانی، بهره‌وری عوامل درون آن سازمان افزایش می‌یابد. توجه داشته باشید که یک سازمان می‌تواند یک واحد کوچک صنعتی، یک کارخانه بزرگ صنعتی، یک واحد کوچک خدماتی یا یک واحد بزرگ خدماتی - مثلاً در حد یک وزارت خانه - باشد. یک سازمان همچنین می‌تواند دولتی یا متعلق به بخش خصوصی باشد.

در یک «سازمان پویا» به منظور افزایش بهره‌وری نیروی انسانی، آموزش شغلی مستمر مدیران و کارکنان، افزایش انگیزش و ایجاد زمینه‌های مناسب به منظور بروز ابتکار و خلاقیت مدیران و کارکنان، برقراری نظام مناسب پرداخت مبتنی بر عملکرد و برقراری نظام تشویق و تنبیه در دستور کار قرار می‌گیرد.



به این ترتیب، با ارتقای بهره‌وری در یک مؤسسه کوچک یا کل جامعه می‌توان با همان مقدار عوامل تولید قبلی به تولید بیشتر رسید. همچنین با همان مقدار کالای تولید شده قبلی با مصرف بهینه و بهتر می‌توان به نیازهای بیشتری پاسخ داد.

فعالیت ۲-۷

با رعایت چه نکاتی می‌توان بهره‌وری را در مدرسه شما افزایش داد؟ در این باره

تحقیق کنید.

تأثیر کردار افراد بر متغیرهای کلان

افراد، تشکیل دهنده جامعه هستند و رفتارهای اقتصادی هر یک از آنها - چه مثبت و چه منفی - بر متغیرهای کلان تأثیر می‌گذارد. به همین ترتیب کردار آنها - خواه

تولیدکننده باشند، خواه مصرف‌کننده - بر توسعه اقتصادی جامعه مؤثر است. توجه به این نکته ضروری است که توسعه یک کشور هدیه‌ای نیست که از خارج به آن داده شود بلکه نتیجه اتفاقاتی است که در داخل کشور می‌افتد. برای رسیدن به توسعه، توسل جستن به عوامل داخلی جامعه را سریع‌تر به نتیجه می‌رساند. اگر جامعه‌ای به توسعه اقتصادی دست یابد، این توفیق به دلیل تشریک مساعی افراد آن جامعه برای دستیابی به اهداف اقتصادی است. به بیان دیگر، جامعه در نتیجه تلاش گسترده اعضای خویش به توسعه می‌رسد و توسعه یافتگی از خارج بدان اهدا نمی‌گردد. پس رفتارهای مردم، به ویژه رفتارهای اقتصادی آنها، باید به گونه‌ای باشد که بتواند جامعه را در مسیر دستیابی به توسعه یاری دهد.

از سوی دیگر، اگر بپذیریم که دستیابی به فناوری و دانش فنی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی است، ناگزیر باید در برنامه‌ریزی‌های توسعه کشور، گسترش علوم و فنون را در اولویت قرار دهیم. پیش شرط توسعه علوم و فنون در یک جامعه، احترام گذاشتن به دانش‌پژوهان و تأمین نیازهای مادی و معنوی آنها در حد متعارف است و در این راه باید زمینه را بیش از پیش مهیا کرد. عامل اصلی توسعه علوم و فنون، نیروهای متخصص و مجرب کشور است. متأسفانه برخی از این نیروها به علت تأمین نشدن نیازهایشان، جذب فعالیت‌های غیرمفید می‌شوند یا کشور را ترک می‌گویند. برای جذب هر چه بیشتر نیروهای کارآمد به بخش‌های تولیدی و اقتصادی جامعه، باید از تشویق مادی و معنوی بهره‌جست و ارزش واقعی فعالیت‌های مختلف را در اجتماع مشخص کرد.

شرکت دادن اقشار وسیع مردم در تصمیم‌گیری‌های مهم، خودضامن اجرای صحیح سیاست‌های تحقق توسعه در کشور است. زمانی که افراد در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند، به عملکرد دستگاه‌های اجرایی بی‌اعتنا نخواهند بود. این مشارکت انگیزه حرکت را در گروه‌های وسیعی از اعضای جامعه تقویت می‌کند و دستیابی به اهداف مشترک را سرعت می‌بخشد.

اگر جامعه هدف توسعه را ارج می‌نهد و اگر قرار است تمام امکانات در راه دستیابی

به این هدف بسیج شوند، باید در درجهٔ اول با ایجاد شرایط اقتصادی - اجتماعی مناسب، افراد را به پیروی از الگوی رفتاری مناسب تشویق کنیم.

به این ترتیب، رفتار افراد جامعه می‌تواند حرکت به سمت توسعه را سرعت ببخشد یا برعکس، در این راه مانع ایجاد کند. در حال حاضر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فرهنگ مصرفی بخش قابل توجهی از درآمد ارزی را می‌بلعد. در واقع، قسمت مهمی از نیازهای روبه گسترش جمعیت این کشورها نه از طریق ظرفیت‌های تولید داخلی بلکه از خارج تهیه می‌شود و این امر فشار فزاینده‌ای برای صدور هر چه بیشتر منابع اولیه ایجاد می‌کند.

با تغییر الگوی مصرف و کند ساختن آهنگ رشد مصرف کالاها و نیز حذف واردات کالاهای غیرضروری، می‌توان انباشت سرمایه را در کشور تسریع کرد و از این طریق، امکان افزایش ظرفیت‌های تولیدی را فراهم آورد.

فعالیت ۸-۲

توجه: ظرفیت تولید برق نیروگاه شهید رجایی (بزرگ‌ترین نیروگاه حرارتی برق ایران) در حال حاضر ۱۵۰۰ مگاوات (= یک میلیون وات) است.

۱- با فرض اینکه جمعیت ایران ۶۰ میلیون نفر و هر خانوار شامل ۴ نفر باشد، در صورتی که هر خانوار یک لامپ ۱۰۰ اضافی را خاموش کند:

الف) چند مگاوات برق صرفه‌جویی می‌شود؟

ب) میزان صرفه‌جویی را با میزان تولید نیروگاه شهید رجایی مقایسه کنید.

۲- به نظر شما، اعضای هر خانواده با رعایت چه مواردی می‌توانند در کاهش هزینه‌های کشور مؤثر باشند.

پرسش

- ۱- دلیل برتری نقش نیروی انسانی نسبت به سایر عوامل تولید چیست؟
- ۲- نیروی کار در چه شرایطی تأثیر بیشتری در تولید جامعه خواهد داشت؟
- ۳- در چه شرایطی افزایش جمعیت جامعه می‌تواند عاملی مثبت در جهت افزایش تولید تلقی شود؟
- ۴- نرخ اشتغال چیست و چگونه محاسبه می‌شود؟
- ۵- چرا حل مشکل بی‌کاری برای دولت‌ها مهم است؟
- ۶- آیا اشتغال کاذب نوعی بی‌کاری محسوب می‌شود؟ چرا؟
- ۷- بهره‌وری چیست؟
- ۸- شما به عنوان یک دانش‌آموز، برای افزایش بهره‌وری چه کارهایی می‌توانید انجام دهید؟